

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر (ص) هنگام نزول وحی

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۲

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۴

میلاد شفيعی مهدی آباد^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید

چکیده

در روایات شیعه و سنی حالات مختلفی برای رسول اکرم (ص) هنگام نزول وحی نقل شده است که این مطلب را به ذهن انسان تداعی می‌کند که آیا رابطه‌ای بین نوع وحی و حالتی که برای پیامبر رخ می‌دهد، وجود دارد یا خیر؟ طبق شواهد و مستندات، وقتی به پیامبر (ص) وحی مستقیم می‌شده، سنگینی و سختی زیادی را احساس می‌نموده‌اند و این شدیدترین نوع وحی بوده است و زمانی که وحی به واسطه‌ی فرشته رخ می‌داده، چنین سنگینی بر ایشان عارض نمی‌شده است. همچنین در مواردی که فرشته وحی به صورت انسان برای ایشان ظاهر می‌شد، تغییری در حضرت دیده نمی‌شد و این راحت‌ترین حالت هنگام نزول وحی بوده است.

واژگان کلیدی: نزول وحی، حالات پیامبر (ص)، انواع وحی، وحی مستقیم، سنگینی وحی.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مباحث قرآنی، بحث از وحی است که در مورد آن، از زوایای مختلف و گوناگونی می‌توان به بررسی و تحلیل پرداخت. با کمی جستجو می‌توان گفت در این زمینه کارهای خوب و متعددی نیز صورت گرفته است. اما ما در این مقاله دنبال آن هستیم تا ابتدا روایاتی را که از احوالات رسول گرامی اسلام (ص) هنگام نزول وحی سخن گفته‌اند، چه در منابع شیعه و چه در منابع اهل سنت نقل نماییم و بعد از بحث مختصر سندی، آن‌ها را دسته‌بندی نماییم. سپس به تناسب بین نوع وحی و احوالاتی که بر آن حضرت عارض می‌شده می‌پردازیم و این رابطه را تبیین می‌نماییم.

در مورد ضرورت بحث نیز باید گفت موضوع وحی در سال‌های اخیر بحث چالش‌برانگیزی بوده و اندیشمندان قرآنی و دینی، دیدگاه‌های مختلفی را در این زمینه ارائه نموده‌اند. بحث ما علاوه بر این که می‌تواند به بحث‌های مهم و چالشی در این زمینه نظر داشته باشد و زوایای

1. Email: miladsh4123@gmail.com

آن‌ها را تا حدی روشن نماید، خود نیز دارای اهمیت است و ما را به انواع وحی و تناسب آن‌ها با احوالات پیامبر(ص)، آشنا می‌نماید. همچنین مختصری از دلایل تأثیر وحی بر جسم مبارک آن حضرت نیز تبیین می‌شود.

۱. حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی

مرحوم دکتر رامیار ۱۲ مورد را در این زمینه بیان می‌نماید که خلاصه هر یک از آن‌ها عبارت است از:

- دریافت وحی در یک گفتگوی عادی، مانند صحبت نمودن دو انسان با یکدیگر.
- شنیدن صدای کوبیدن دو فلز به هم و یا صدای زنبور عسل.
- دریافت وحی به شکل نقش بستن در ذهن و عقل.
- گاهی حال التهاب و برافروختگی داشت که برای تسکین، آن حضرت(ص) را با آب سرد شستشو داده و می‌پوشاندند.
- یا چنان گرم می‌شد که در روز سرد عرق از پیشانی‌اش می‌ریخت.
- گاهی با پارچه‌ای سر و یا بدن را می‌پوشاند.
- زمانی رنگ چهره‌اش سرخ و کبود می‌شد.
- وقتی هم خواب‌آلوده می‌نمود و یا به اغماء و غشی دچار می‌شد.
- هنگامی هم به آسمان خیره می‌شد و سری تکان می‌داد و یا سر را به پائین می‌انداخت.
- گاهی رنج شدیدی تحمل می‌کرد، ولی زمانی هم سبک‌تر بود.
- وقتی چنان سنگین می‌شد که چهارپایی که سوار بود از رفتن بازمی‌ماند.
- گاهی دچار سردرد می‌شد. (رک: رامیار، ۱۳۶۹: ۱۰۹)

سخن مرحوم دکتر رامیار به معنای این نیست که ۱۲ نوع وحی بر پیامبر اکرم(ص) نازل می‌شده، بلکه طبیعی است که برای هر یک از انواع وحی، چند مورد از حالات گوناگون ذکر شده بر آن حضرت عارض شود.

۲. بیان روایات و بررسی سندی برخی از آن‌ها

۲-۱. روایات شیعه

- ۱- مرحوم شیخ صدوق از پدر بزرگوارشان نقل می‌کند که سعد بن عبدالله، از ابراهیم بن هاشم از ابن ابی نجران از محمد بن سنان از ابراهیم و فضل پسران محمد اشعری

از عبید بن زراره از پدرش نقل می‌کند که گفت به حضرت صادق(ع) عرض کردم: فدای شما شوم! به چه دلیل رسول خدا(ص) هنگام نزول وحی، دچار غش و بیهوشی می‌شدند؟ حضرت فرمود: آن در حالتی بود که در میان او و خدا کسی نبود و در آن زمان، خدا برای آن حضرت متجلی و ظاهر می‌شد. (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۰۲)

سعد بن عبدالله القمی، ابراهیم بن هاشم القمی و عبدالرحمن بن ابی نجران هر سه ثقة بوده و تعبیر «امامی، ثقة، جلیل» در مورد ایشان آمده است. در مورد وثاقت محمد بن سنان اختلاف است، اما قول به ثقة بودن قوی‌تر است. ابراهیم بن محمد اشعری امامی و ثقة است. اما فضل بن محمد اشعری با این که امامی بودن او مورد قبول است اما توثیقی در کتب رجالی نسبت به او نیامده و وضعیت او برای ما روشن نیست. نکته‌ای که در این جا باید دقت نمود این است که محمد بن سنان روایت را به دو طریق نقل نموده و حتی اگر وثاقت فضل برای ما ثابت نشود، همین که ابراهیم ثقة است کفایت می‌کند و سند حدیث با مشکلی روبه‌رو نیست. در وثاقت عبید بن زراره و پدر او زراره بن اعین شکی نیست و لازم است این مطلب نیز بیان شود که زراره بن اعین از اصحاب اجماع است.

۲- محمد بن یحیی از احمد بن محمد از حسن بن محبوب از احوال نقل می‌کند که از امام باقر(ع) درباره تفاوت رسول، نبی و محدث سؤال کردم. فرمود: رسول کسی است که جبرئیل نزد او آید و او را ببیند و با او سخن گوید، اما نبی آن است که در خواب به او وحی شود مانند خواب دیدن حضرت ابراهیم(ع) (که فرمان سربریدن اسماعیل را در خواب دید) و مانند آنچه رسول خدا(ص) پیش از آمدن وحی از اسباب و علائم نبوت می‌دید تا آن که جبرئیل، رسالت را برای او از جانب خدا آورد. آن حضرت(ص) هنگامی که به مقام نبوت رسید و مقام رسالت نیز از جانب خدا برای او آمد، جبرئیل برای ایشان پیغام می‌آورد و چهره به چهره با او سخن می‌گفت. بعضی از انبیاء، به مقام رسالت نیز می‌رسند، یعنی هم در خواب به آن‌ها وحی می‌شود و هم در بیداری روح القدس نزد آن‌ها می‌آید. اما محدث آن است که تنها به او خبر داده شود و صدا را بشنود، ولی نه فرشته وحی را مشاهده کند و نه در خواب به او وحی شود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۷۶)

هر چهار راوی این روایت در کتب رجالی توثیق شده‌اند. عبارت «امامی، ثقة، جلیل» در مورد همه آن‌ها آمده است که از بالاترین و بهترین توثیقات می‌باشد؛ بنابراین روایت صحیحه است.

۳- از ابوالفضل از عبدالله بن سلیمان سجستانی از اسحاق بن ابراهیم نهشلی از زکریا بن یحیی خزّاز از مندّل بن علی از اعمش از ابن جبیر از ابن عباس نقل شده است که رسول

خدا(ص) در میان خانه بود و سر مبارکشان در کنار دحیه کلبی قرار داشت. حضرت علی(ع) آمد و به دحیه سلام نمود و از حال رسول خدا(ص) پرسید. دحیه گفت: حال ایشان خوب است. بعد از آن دحیه به حضرت علی(ع) گفت: من تو را دوست می‌دارم و به درستی که برای تو فضائی هست که تو را به آن مسرور می‌گردانم: تویی امیرالمؤمنین، و تو سرور فرزندان آدم(ع) به جز پیامبران هستی... دوستان محمد دوستان تواند و دشمنان محمد دشمنان تو که به شفاعت پیامبر نمی‌رسند، ای برگزیده خدا نزدیک من بیا، چون که نزدیک شد سر پیغمبر را برداشته برکنار او نهاد، بعد از آن پیغمبر(ص) فرمود: این همه چه بود؟ امام علی(ع) جریان را به اطلاع حضرت رسانید. آن حضرت فرمود: او دحیه نبود بلکه جبرئیل بود و تو را بانامی که خداوند با آن نام تو را صدا زده است، خطاب نمود. (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۰۴)

محمد بن عبدالله ابوالفضل وناقتش مورد تردید است و بعضی او را تضعیف کرده‌اند. علاوه بر این که روایت به امام معصوم ختم نشده، بلکه به ابن عباس منتهی می‌شود. پس روایت از نظر سند ضعیف است.

۴- حسین بن ابراهیم قزوینی از محمد بن وهبان از احمد بن ابراهیم بن احمد از حسن بن علی زعفرانی از برقی از پدرش از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم نقل می‌کند که به امام صادق(ع) گفتم: بعضی از اصحاب ما می‌گویند آیا پیامبر(ص) گاهی می‌گفت جبرئیل گفت و این جبرئیل مرا امر نمود، اما در موارد دیگر، بیهوشی بر پیامبر(ص) عارض می‌شد؟ امام صادق(ع) فرمود: این حالت بیهوشی زمانی بود که وحی از جانب خداوند مستقیماً بر رسول خدا نازل می‌شد و جبرئیل واسطه بین خدا و رسول نبود؛ در این حالت به خاطر سنگینی وحی از جانب خدا بیهوشی بر حضرت عارض می‌شد و هنگامی که جبرئیل بین خدا و رسول واسطه بود، چنین حالتی بر حضرت عارض نمی‌شد و پیامبر می‌فرمود: جبرئیل گفت و این جبرئیل مرا امر نمود. (همان: ۶۴۴)

حسین بن ابراهیم قزوینی از مشایخ شیخ طوسی است. محمد بن وهبان را نجاشی توثیق کرده است. دو نفر با نام «احمد بن ابراهیم بن احمد» در کتب رجالی آمده که هر دو توثیق شده‌اند. ابی محمد الحسن بن علی الزعفرانی در کتب رجالی مدح و ذمی راجع به او نیامده و اصطلاحاً مجهول است. بقیه رجال سند در توثیق‌شان شکی نیست، بلکه بالاترین توثیقات را دارند. علاوه بر این که در سند روایت ابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است، حاضر است. اما به دلیل مجهول بودن حسن بن علی الزعفرانی روایت ضعیف‌السند است.

۵- در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» آمده است که عثمان بن مظعون گفت: این آیه بر پیامبر نازل شد درحالی که حضرت نزدیک در خانه نشسته بودند و من نیز همان جا نشستم. بعد از مدتی که با من سخن می‌گفتند، دیدم که چشمان حضرت به سمت آسمان کشیده شد تا این که پلک‌های ایشان بسته شد، سپس کمی باز شد تا این که آن‌ها را از سمت راست برگرداندند و سپس به من تکیه دادند و سر را پایین انداختند، مثل این که چیزی بر ایشان الهام شده است. بعد از مدتی دوباره دیدم که چشم به سمت آسمان دوختند و سپس از سمت چپ، چشمان را برگرداندند. سپس رو به من کردند درحالی که صورت مبارکشان سرخ شده بود و عرق از چهره حضرت جاری شده بود. من گفتم ای رسول خدا(ص) چه چیزی دیدید که حال شما این گونه شد؟ فرمودند: تو هم دیدی؟ گفتم بله. پیامبر(ص) فرمودند: آن جبرئیل بود که جز به او توجه نداشتم. سپس این آیه را تلاوت نمود. (ابن طاووس، بی تا: ۱۲۳)

ابن طاووس روایت را از کتاب تفسیر منسوب به امام باقر(ع) نقل می‌کند، اما همان طور که روشن است روایت سند ندارد.

۶- احمد بن محمد از حسین بن سعید از قاسم جوهری از علی از ابی بصیر نقل می‌کند که از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: در شب و روز علم ما زیاد می‌شود و اگر علم ما زیاد نشود آنچه در پیش ما است از بین می‌رود. به ایشان گفتم: جان من فدای شما، چه کسی این علم را برای شما می‌آورد؟ امام فرمود: بعضی از ما اهل بیت با چشم او را می‌بیند و بعضی دیگر از ما در قلب او صدایی نقش می‌بندد و بعضی دیگر از ما در گوش خود صدایی مثل صدای کوبیده شدن طبل را می‌شنود. دوباره به امام گفتم چه کسی این گونه علم را برای شما می‌آورد؟ فرمود: موجودی از جانب خداوند که بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل است. (محمد بن حسن صفار، ۱۴۰۴: ۲۳۳/۱)

احمد بن محمد بن عیسی الأشعری و حسین بن سعید الأهوازی امامی ثقه‌اند. قاسم بن محمد الجوهری واقفی مذهب بوده، ولی طبق نظر بسیاری از علماء، ثقه است. علی بن ابی حمزه البطائنی از سران واقفی است. اما بنا بر تحقیق روایاتی که از او نقل شده مربوط به قبل از واقفی شدن اوست. یحیی ابی بصیر الأسدی از اصحاب اجماع می‌باشد. روایت از نظر سند موثق است و البته به شباهت حال امامان علیهم‌السلام به حالات پیامبر در هنگام نزول وحی اشاره دارد.

۷- عباس بن معروف از حماد بن عیسی از ربیع از زراره از امام باقر(ع) نقل می‌کند که حضرت می‌فرمودند: جبرئیل وحی را بر پیامبر(ص) املا می‌نمود و پیامبر(ص) نیز وحی را بر

علی(ع) املا می نمود. بعد از آن پیامبر به خواب اندکی و چرت کمی می رفتند و بعد از این که به حالت معمولی برمی گشتند به کتاب نگاه کرده و دست خود را بالا می برد و می فرمود: چه کسی این آیات را بر تو املا کرده است؟ علی(ع) جواب می داد: شما. پیامبر(ص) می فرمود: نه من املا نکردم، بلکه جبرئیل این کار را انجام داده است.» (همان: ۳۳۳/۱)

عباس بن معروف و ربیع بن عبدالله بن جارود امامی ثقه اند. حماد بن عیسی الجهنی و زراره بن أعین الشیبانی از اصحاب اجماع هستند. روایت صحیح است.

۸- احمد بن أبی عبدالله برقی از پدرش محمد بن خالد برقی از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم نقل می کند که امام صادق(ع) فرمودند: هنگامی که وحی بر رسول خدا(ص) از جانب خداوند نازل می شد و بین آن ها جبرئیل واسطه بود، پیامبر می فرمود: این جبرئیل است و جبرئیل به من گفت و هنگامی که وحی نازل می شد ولی جبرئیل واسطه نبود، آن سنگینی بر حضرت عارض گشته و ایشان دچار غش شدیدی می شدند که به خاطر سنگینی وحی مستقیم از جانب خداوند بود. (برقی، ۱۳۷۱: ۳۳۹/۲)

هر چهار راوی این سند موثق بوده، بلکه بالاترین توثیقات را دارا هستند، بنابراین روایت صحیح است.

۹- عیسی بن عبدالله از پدرش از جدش نقل می کند که علی(ع) فرمود: سوره مائده بر پیامبر نازل شد درحالی که ایشان بر الاغ خود که شهباء نام داشت سوار بود و سنگینی وحی بر شهباء به حدی بود که از حرکت ایستاد و کمرش خم شد به حدی که نزدیک بود به زمین برسد و رسول خدا(ص) دچار حالت بیهوشی شده و دست خود را بر شانه مُنَبّه بن وهب گذاشت. بعد از مدتی این حالت از پیامبر رفع شد و حضرت سوره مائده را بر ما تلاوت فرمود. (عیاشی، تفسیر العیاشی ۱۳۸۰: ۲۸۹/۱)

عیسی بن عبدالله بن محمد العمری، پدر او عبدالله بن محمد بن عمر الأَطرف و جد او محمد بن عمر بن علی بن أبی طالب هر سه مجهول بوده و در کتب رجالی مدح و ذمی راجع به آن ها نیامده است. روایت از نظر سند ضعیف است.

۱۰- پیامبر خدا(ص) در میان اصحاب بود که ناگهان عرق می ریخت و از هوش می رفت و چون به خود می آمد، می فرمود: خداوند به چه چیز امر و از چه چیزی نهی نموده است. بیشتر دانشمندان اهل سنت معتقدند این حالت هنگام نزول جبرئیل(ع) رخ می داد. از امام صادق(ع) در مورد بیهوشی که پیامبر(ص) را فرامی گرفت، سؤال شده که آیا هنگام نزول جبرئیل بود؟ فرمود:

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ۶۱

خبر. جبرئیل هر وقت خدمت پیامبر می‌رسید وارد نمی‌شد تا اجازه می‌گرفت و چون وارد می‌شد، چون بنده‌ای نزد ایشان می‌نشست. این بیهوشی آنگاه بود که خداوند بی‌واسطه با حضرت صحبت می‌کرد. این حدیث را حسین بن احمد بن ادريس نقل نموده از قول پدرش از جعفر بن محمد بن حسین بن یزید از حسین بن علوان از عمرو بن ثابت از امام صادق(ع). (صدوق، ۱۳۹۵: ۸۶/۱)

قسمت اول عبارت بالا سخن شیخ صدوق (ره) بوده و قسمت دوم آن روایت می‌باشد. سند نقل‌شده نیز مربوط به قسمت دوم است.

حسین بن علوان کلبی، عامی مذهب بوده و وثاقت او ثابت شده نیست. سایر رجال این روایت مورد وثوق‌اند، اما به‌رحال روایت از نظر سند ضعیف است.

۱۱- مرحوم شیخ صدوق می‌گوید: اعتقاد ما این است که حالت غشی که پیامبر(ص) را می‌گرفت و حضرت دچار سنگینی شده و عرق می‌نمود، وقتی بود که خداوند خود با آن جناب تکلم می‌فرمود. اما جبرئیل چنان بود که بدون اذن خواستن وارد برآن جناب نمی‌شد و از روی احترام در حضور آن حضرت بنده‌وار می‌نشست. (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۲)

همان‌طور که روشن است متن بالا روایت نیست، بلکه سخن و عقیده شیخ صدوق (ره) است. هرچند ایشان بر اساس آیات و روایات اهل‌بیت سخن گفته و عقاید شیعه را بیان نموده‌اند، اما این حاصل اجتهاد ایشان است ولی ما درصدد آن هستیم که خود روایات را بررسی کرده و به نتیجه برسیم. پس متن بالا روایت نیست و بررسی سندی در این‌جا معنا ندارد.

۲-۲. روایات اهل سنت

۱- عبدالله بن یوسف از مالک بن هشام بن عروه از پدرش از عایشه نقل می‌کند: حارث بن هشام از رسول خدا(ص) سؤال کرد که چگونه وحی بر شما نازل می‌شود؟ حضرت جواب داد: گاهی مثل شنیدن صدای زنگ است که این شدیدترین حالت بر من است و وقتی قطع می‌شود من آن را حفظ کرده‌ام. گاهی نیز فرشته به‌صورت یک انسان بر من ظاهر می‌شود و با من صحبت می‌کند و من آن‌ها را حفظ می‌کنم. عایشه می‌گوید: من پیامبر(ص) را در هنگام نزول وحی در روز سرد می‌دیدم درحالی‌که عرق از بدن حضرت جاری می‌گشت. (بخاری، ۱۴۰۷: ۶/۱)

اکثر حدیث نگاران اهل سنت بعد از نقل این حدیث عبارت «و هو أهونه علی؛ و این راحت‌ترین حالت برای من است» را بعد از «و من آن‌ها را حفظ می‌کنم»، آورده‌اند. همگی آن‌ها تعبیر مشابه تعبیر ذیل را نیز بعد از نقل روایت نوشته‌اند: «هذه الزيادة جاءت فی روايه أبي عوانه فی صحیحه».

البته در مسند و مستخرج ابی عوانه، حدیث بالا پیدا نشد، ولی در کتاب دیگری و با سند دیگری این روایت با تعبیر «و هو أهونه علی» آمده است:

خیثمه بن سلیمان از ابی یحیی بن ابی مسره از عبدالله بن زبیر حمیدی از سفیان بن عیینه از هشام بن عروه از پدرش از عایشه نقل می‌کند: «حارث بن هشام از رسول خدا سؤال کرد که چگونه وحی بر شما نازل می‌شود. حضرت جواب دادند: گاهی فرشته به صورت یک انسان بر من ظاهر می‌شود و با من صحبت می‌کند و من آن‌ها را حفظ می‌کنم که این راحت‌ترین حالت بر من است.» (محمد بن اسحاق، ۱۴۰۶: ۶۸۸/۲)

ألبانی از علمای بزرگ اهل سنت، حدیث را صحیح می‌داند. (ألبانی، ۱۴۰۸: حدیث ۲۱۳)

۲- یحیی بن بُکیر از لیث از عقیل از ابن شهاب از عروه بن زبیر از عایشه نقل می‌کند که سرآغاز وحی بر پیامبر اکرم(ص) خواب‌های صادق بود که هیچ خوابی نمی‌دید، مگر این که مانند سپیده صبح تعبیر می‌شد، سپس خلوت کردن برایش خوشایند شد. گاهی به سوی حرا می‌رفت و در آن جا شب‌های معینی را به عبادت می‌نشست که آب و غذای آن مدت را با خود می‌برد، سپس به نزد خدیجه بازمی‌گشت. خدیجه (س) برای شب‌های دیگر نیز برایش آذوقه مهیا می‌کرد. تا این که به‌طور ناگهانی پیام حق را دریافت نمود، و در غار حرا فرشته مخصوص به نزدش آمد و گفت: بخوان. رسول خدا(ص) فرمود به او گفتیم: من توانایی خواندن ندارم. پس مرا گرفت و سخت فشار داد تا این که طاقتم تمام شد. سپس دوباره گفت: بخوان. گفتیم: من توانایی خواندن ندارم. بار دیگر مرا به‌طور طاقت‌فرسایی فشار داد آنگاه رهایم ساخت و بازگفت: بخوان، گفتیم: من توانایی خواندن ندارم، گفت: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) تا جمله (مَا لَمْ يَعْزَمْ)، پس رسول خدا(ص) با این آیات از غار مراجعت فرمود درحالی که شانه‌هایش می‌لرزید. (بخاری، همان: ۷/۱)

۳- ابن شهاب می‌گوید که ابی سلمه بن عبدالرحمن به من خبر داد که جابر بن عبدالله انصاری گفت پیامبر(ص) از فترت وحی سخن می‌گفت تا این که فرمود: من پیاده در حرکت بودم که صدایی را از آسمان شنیدم، چشم خود را بالا بردم که دیدم همان فرشته‌ای که در غار حرا بر من ظاهر گشته، روی کرسی بین آسمان و زمین نشسته است. پس ترسیدم و برگشتم و گفتم «زملونی». در این جا بود که خداوند آیات «بَا أُيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ... وَالرُّجُزَ فَاهْجُرْ» را بر من نازل نمود و بعد از آن بود که پشت سر هم بر من وحی نازل می‌شد و دیگر فترتی رخ نداد. (همان: ۹/۱)

ألبانی حدیث را از نظر سندی صحیح می‌داند. (ألبانی، همان: حدیث ۴۱۹۳)

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ۶۳

۴- اَبی کَرِیب محمد بن علاء از اَبی اسامه از هشام از پدرش از عایشه نقل می‌کند: «وحی بر پیامبر در روز سرد نازل می‌شد به صورتی که بر پیشانی حضرت عرق جاری می‌گشت.» (مسلم، بی تا: ۸۲/۷)

۵- محمد بن بَشَّار از مُعَاذ بن هشام از پدرش از قتاده از حسن از حِطَّان بن عبدالله از عبادہ بن صامت نقل می‌کند: «هنگامی که بر رسول خدا(ص) وحی نازل می‌شد، حضرت سر را به پایین می‌انداخت و اصحاب نیز سرشان را به پایین می‌انداختند. بعد از مدتی که آیات بر حضرت نازل می‌شد، ایشان سر را بلند می‌کردند.» (همان)

ألبانی حدیث را صحیح می‌داند. (ألبانی، همان: حدیث ۴۶۸۶)

۶- قُتیبہ از ابن لَہیعہ از یزید بن اَبی حَبیب از عمرو بن ولید از عبدالله بن عمرو بن عاص نقل می‌کند: از پیامبر پرسیدم که آیا وحی را احساس می‌کنید؟ حضرت فرمودند: بله صدایی مثل صدای زنبور می‌شنوم و در این هنگام سکوت می‌کنم. هیچ موردی نیست که وحی بر من نازل شود، مگر این که گمان می‌کنم که روح از بدنم جدا می‌شود و از دنیاخواهم رفت. (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰: ۳۱۱/۱۴)

۷- عفان بن مسلم از حماد بن سلم، از قتاده و حمید از حِطَّان بن عبدالله از عبادہ بن صامت نقل می‌کند: هنگامی که بر رسول خدا وحی نازل می‌شد، بدن حضرت به لرزه می‌افتاد و رنگ از صورت مبارکشان می‌رفت. (ابن سعد، بی تا: ۱۹۷/۱؛ مسلم، بی تا: ۸۲/۷)

بنا بر تحقیق ألبانی حدیث صحیح است. (ألبانی، همان: حدیث ۴۶۸۵)

۸- عبیدالله بن موسی از اسرائیل از جابر از عکرمه نقل می‌کند: «هنگامی که بر پیامبر خدا(ص) وحی می‌شد، به خاطر شدت وحی، مدتی مثل انسان‌های بی‌حس و سَکَران می‌شدند.» (ابن سعد، همان)

۹- محمد بن عمر اسلمی از ابوبکر بن عبدالله بن اَبی سبره از صالح بن محمد از اَبی سلمه بن عبدالرحمن از پدرش نقل می‌کند: رسول خدا بر چهارپا سوار بود و وحی بر ایشان نازل می‌شد، دیدم که ناله می‌کند و دستانشان به صورتی می‌لرزد که گمان کردم الآن جدا خواهد شد. به خاطر سنگینی وحی گاهی اوقات آن چهارپا به زمین می‌نشست و گاهی نیز ایستاده می‌ماند تا این که حضرت به حالت عادی برمی‌گشتند. همچنین عرق مثل دانه‌های مروارید از پیشانی ایشان به زمین می‌چکید. (ابن سعد، همان: ۱۹۷/۱)

ألبانی حدیثی شبیه به حدیث بالا را نقل کرده و آن را صحیح می‌داند:

«هنگامی که وحی بر پیامبر خدا نازل می شد به خاطر سنگینی وحی، عرق از پیشانی مبارکشان مثل دانه های مروارید به زمین می چکید اگرچه هوا سرد بود.» (البانی، همان: حدیث ۴۷۹۲)

۱۰- حجین بن مثنی از عبدالعزیز بن عبدالله بن ابی سلمه از عمویش نقل می کند: رسول خدا می فرمود: «وحی به دو صورت بر من نازل می شود. گاهی جبرئیل بر من نازل می شود و من او را مثل سایر مردم مشاهده می کنم و بعضی اوقات نیز او نزد من می آید و من فقط صدای او را می شنوم.» (ابن سعد، همان)

۱۱- ابن عبدالأعلی از ابن ثور از معمر از هشام بن عروه از پدرش نقل می کند: هنگامی که وحی بر رسول خدا (ص) نازل می شد و ایشان بر شتر خود سوار بودند، شتر از حرکت می ایستاد و نمی توانست حرکت کند تا زمانی که حضرت به حالت طبیعی برمی گشت.

(طبری، ۱۴۲۲: ۳۶۵/۲۳)

۱۲- ابن اسحاق از وهب بن کیسان غلام آل زبیر نقل می کند که عبدالله بن زبیر از عبید بن عمیر سؤال کرد: ای عبید ابتدای رسالت پیامبر (ص) هنگام نزول جبرئیل (ع) چگونه بود؟ عبید گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «جبرئیل درحالی که من خواب بودم بر من نازل شد. همراه او کتابی بود به من گفت بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ جبرئیل مرا فشار داد به گونه ای که گمان کردم الان از دنیا می روم. سپس رهایم کرد و گفت بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ این پرسش و جواب دومرتبه دیگر هم تکرار شد تا این که جبرئیل فرمود: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) تا جمله (مَا لَمْ يَعْلَمْ). من نیز این آیات را خواندم و جبرئیل رفت. سپس از خواب بیدار شدم درحالی که احساس می کردم این آیات در قلب من نوشته شده و نقش بسته است.» (ابن هشام، بی تا: ۲۳۵/۱)

در مورد روایات اهل سنت به ذکر چند نکته بسنده می کنیم:

مطلب اول، این که اکثر روایات نقل شده از منابع اهل سنت مربوط به دو کتاب اصلی روایی اهل سنت یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم است. در مورد این دو کتاب می توان گفت تقریباً اجماعی بین علمای اهل سنت وجود دارد که روایات آن ها و به ویژه صحیح بخاری نیاز به بررسی سندی نداشته و مورد قبول هستند. تعابیری مانند تعابیر ذیل در مورد این دو کتاب مشهور است:

«من کان فی بینه هذا الكتاب - یعنی الصحیح البخاری - فکانما فی بینه نبی یتکلم؛ هرکس در خانه اش این کتاب - یعنی کتاب صحیح بخاری - باشد، مثل این است که در خانه او پیامبری است که سخن می گوید.»

«ما تحت أديم السماء كتاب أصح من كتاب مسلم؛ كتابی صحیح‌تر از کتاب صحیح مسلم در زیر سقف این آسمان وجود ندارد.»

مطلب دوم، این که برای شیعه افرادی مثل ابن زبیر، عایشه، ابوهریره و... مورد وثوق نیستند درحالی که برای اهل سنت قول آن‌ها و روایات نقل شده توسط آن‌ها مورد قبول است. مطلب سوم، این که اگر روایتی از شیعه با روایتی از اهل سنت در تعارض باشد، روایت شیعه مقدم بوده و در صورتی که چنین نباشد، عمل به روایات اهل سنت در صورت عدم مخالفت با عقل قطعی و صحیح بودن رجال آن احادیث اشکال ندارد. البته لازم است یادآور شویم که در بین علماء شیعه در این زمینه اختلاف است، برخی سخت‌گیری بیشتری داشته و برخی نیز سخت‌گیری کمتری دارند.

۳. دسته‌بندی حالات پیامبر(ص) متناسب با نوع وحی

معروف‌ترین آیه در مورد انواع و اقسام وحی، آیه ۵۱ سوره مبارکه «شوری» است:

«وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ»

هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب غیب یا رسولی [چون فرشته] می‌فرستد؛ پس فرشته به اذن او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ یقیناً او بلندمرتبه و حکیم است. (شوری / ۵۱)

هرچند نویسندگان مختلف هر یک تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای انواع وحی بیان نموده‌اند اما ما در این جا سعی می‌کنیم طبق آیه شریفه بالا پیش رفته و زیاد از آن فاصله نگیریم.

این آیه شریفه سه راه را به عنوان انواع راه‌های سخن گفتن خداوند با انسان بیان می‌نماید: وحی (مستقیم)، سخن گفتن از پشت حجاب و فرستادن فرشته.

۳-۱. وحی مستقیم

مراد از وحی مستقیم این است که خداوند متعال بدون استفاده از هیچ واسطه‌ای مثل فرشته‌ی وحی و یا ایجاد حجاب بین خود و پیامبرش(ص)، مستقیماً با حضرت سخن بگوید. آنچه از روایات و به‌ویژه روایات شیعه فهمیده می‌شود این است که این حالت سخت‌ترین و شدیدترین حالات نزول وحی بر رسول خدا بوده است. در این نوع از وحی حالاتی مثل اغماص و بی‌هوشی بر ایشان عارض می‌شده است. دلیل و شاهد بر این سخن روایات ذیل است:

«... حالت غش و بیهوشی در زمانی بود که میان پیامبر(ص) و خدا واسطه‌ای نبود و در آن هنگام، خدا برای آن حضرت متجلی و ظاهر می‌شد.» (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۰۲)

«... این حالت بیهوشی زمانی بود که وحی از جانب خداوند مستقیماً بر رسول خدا نازل می‌شد و جبرئیل واسطه بین خدا و رسول نبود، در این حالت به خاطر سنگینی وحی از جانب خدا، بیهوشی بر حضرت عارض می‌شد.» (طوسی، همان: ۶۴۴)

«... این بیهوشی زمانی بود که خداوند بدون واسطه با حضرت صحبت می‌کرد.» (صدوق، ۱۳۹۵: ۸۶/۱)

«... و هنگامی که وحی نازل می‌شد ولی جبرئیل واسطه نبود، آن سنگینی بر حضرت عارض گشته و ایشان دچار غش شدیدی می‌شدند که به خاطر سنگینی وحی مستقیم از جانب خداوند بود.» (البرقی، همان: ۳۳۹/۲)

هرچند روایت دوم و سوم سند خوبی ندارند ولی روایت اول موثقه است و روایت اخیر، سند خیلی خوبی داشته و صحیح است.

نکته‌ای که لازم است در این جا تذکر داده شود این است که اگرچه روایت دوم و سوم دارای ضعف سند هستند، اما این گونه نیست که عمل به این روایات جایز نباشد، زیرا بسیاری علماء پذیرفته‌اند که یک روایت ضعیف در صورتی که با چند روایت ضعیف‌السند دیگر یک مطلب را به ما برسانند و در کلیت یکی باشند، یکدیگر را همپوشانی کرده و ضعف سندی آن‌ها جبران می‌شود. به عبارت دیگر سبک مدرسه‌ای، صنعت محور و ریاضی داشتن در مواجهه با احادیث و تنها هر حدیث را جدا جدا و به صرف نگاه به سند آن بررسی کردن، صحیح نیست، بلکه باید به سبک تجمیع ظنون و ضمیمه نمودن قرائن، شواهد، سند و سایر موارد به یکدیگر به سراغ روایات رفت و در این تعاضد و همپوشانی که رخ می‌دهد، اگر اطمینان به صدور روایتی پیدا کردیم حجت خواهد بود وگرنه حجت نیست. (علیدوست، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

بنابراین عمل به این روایات بدون اشکال است. علاوه بر این که در این جا ما یک روایت صحیح و یک روایت موثقه نیز داریم.

مرحوم آیت‌الله معرفت در مورد وحی مستقیم می‌نویسد:

«می‌توان گفت نزول وحی در بیشتر مواقع به صورت مستقیم و بدون واسطه فرشته وی بوده است. چنانچه صحابه حالات پیامبر را هنگام نزول وحی نقل کرده‌اند که فشار زیادی بر ایشان وارد می‌شد. غش می‌نمود و عرق از پیشانی حضرت جاری شد. هیبتی به

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ۶۷

ایشان دست می‌داد که اصحاب سرها را پایین می‌انداختند. خداوند متعال می‌فرماید:
«إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (معرفت، ۱۴۱۵: ۶۵/۱)

ایشان در چند صفحه بعد نیز این‌گونه می‌فرماید:

«این حالت شدید که بر پیامبر اکرم(ص) عارض می‌شد، اختصاص به وحی مستقیم دارد».

(همان: ۷۰/۱)

مرحوم شیخ صدوق (ره) نیز همان‌طور که گذشت همین عقیده را داشته و فرموده که اهل سنت با آن مخالفاند. (رک: صدوق، ۱۳۹۵: ۸۶/۱)

در روایات اهل سنت هرچند حالات سخت و سنگینی برای رسول خدا(ص) هنگام نزول وحی، نقل شده، اما در هیچ‌یک از این روایات اشاره روشنی به وحی مستقیم نشده است. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت از نظر روایات اهل سنت وحی مستقیم به پیامبر اسلام(ص) نازل شده و وحی تنها به واسطه فرشته وحی انجام می‌شده است.

۲-۳. وحی به واسطه فرشته

۱-۲-۳. مشاهده فرشته به صورت اصلی

مشهور در بین علمای شیعه و سنی این است که رسول خدا دو مرتبه جبرئیل امین را در صورت واقعی او مشاهده نمود. «فرشته‌ای که وحی را بر پیامبر(ص) نازل می‌کرد، جبرئیل(ع) بود که گاهی وحی را در گوش و شنوایی پیامبر القا می‌کرد و گاهی نیز پیامبر او را مشاهده می‌نمود که بعضی اوقات جبرئیل با صورت اصلی و واقعی بر حضرت ظاهر می‌شد، که دومرتبه اتفاق افتاد...» (معرفت، همان: ۶۱/۱)

سیوطی نیز از ابن مسعود نقل می‌کند: «رسول خدا(ص) جبرئیل را تنها دو بار در صورت واقعی خود مشاهده نمود؛ یک‌بار پیامبر(ص) از جبرئیل خواست که او را در صورت اصلی‌اش مشاهده نماید که با شکافتن افق پیامبر(ص) جبرئیل را دید. و مرتبه دوم هنگام معراج بود: وَ هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۲۳/۶)

قرطبی در تفسیر خود ملاقات اول رسول خدا با جبرئیل را چنین آورده است:

«رسول خدا(ص) به جبرئیل(ع) فرمود: من دوست دارم تو را به همان صورتی که در آسمان هستی مشاهده نمایم. جبرئیل با پیامبر در مکانی وعده گذاشت و زمانی که حضرت به آنجا رفتند، جبرئیل به همراه صدای بلندی از سمت کوه‌های عرفات نمایان گشت به‌گونه‌ای که

مشرق و مغرب را پُر کرده بود. سر او در آسمان و پاهایش در زمین بود. هنگامی که پیامبر(ص) او را دید، غش کرد و به زمین افتاد...» (قرطبی، ۱۴۲۳: ۲۴۱/۱۹)

آن چه در این جا می‌توان گفت این است که هیچ‌یک از این دو دیدار برای دریافت وحی قرآنی نبوده است و حالتی که برای رسول خدا(ص) در روایت بالا ذکر شده به دلیل دریافت وحی نبوده، بلکه به خاطر ملاقات جبرئیل و عظمت وی بوده است.

۲-۲-۳. مشاهده فرشته به صورت انسان

روایات متعددی براین مطلب دلالت می‌کنند که رسول خدا بارها جبرئیل را در ساحت و سیمای یک انسان زیبا منظر ملاقات کرد و وحی الهی را از وی دریافت نمود. نام فردی که جبرئیل در قالب چهره او به محضر پیامبر مشرف می‌شده «دحیه بن خلیفه الکلبی» گفته شده است. در این جا به ذکر یک روایت از منابع شیعه و یک روایت از منابع اهل سنت بسنده می‌کنیم که هم دلالت بر مشاهده فرشته وحی به صورت انسان توسط پیامبر داشته و هم بر این که نام آن فرد «دحیه کلبی» بوده است:

«... اَبی عبدالرحمن از رسول خدا نقل می‌کند که حضرت به اصحابش فرمود: هنگامی که دحیه کلبی را نزد من دیدید، هیچ‌کس بر من وارد نشود و نزد من نیاید». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۶/۳۷)

«یحیی بن معمر از عمر نقل می‌کند که جبرئیل(ع) به صورت دحیه کلبی بر پیامبر(ص) وارد می‌شد. همچنین قتاده از انس نقل می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل به صورت دحیه کلبی نزد من می‌آید». (عسقلانی، ۱۴۱۲: ۳۸۵/۲)

راحت‌ترین حالتی که پیامبر اسلام(ص) وحی را دریافت می‌نمود و تغییری در جسم مبارک ایشان رخ نمی‌داد همین حالت است که جبرئیل امین به صورت یک انسان فرود می‌آمد. این را به خوبی می‌توان از کتب روایی شیعه و سنی فهمید:

«... هنگامی که آن حضرت به مقام نبوت رسید و مقام رسالت نیز از جانب خدا برای او آمد، جبرئیل برای ایشان پیغام می‌آورد و چهره به چهره با او سخن می‌گفت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۱)

مورد دوم، روایتی است که امیرالمؤمنین(ع) گمان می‌کند با دحیه کلبی سخن می‌گوید، ولی بعد از این که پیامبر خدا(ص) باخبر می‌شود چنین می‌فرماید: «... این دحیه نبود، این جبرئیل بود که تو را با نامی که خداوند تو را با آن نام صدا زده است، خطاب نمود.» (طوسی، همان: ۶۰۴)

«... جبرئیل هر وقت خدمت پیغمبر می‌رسید، وارد نمی‌شد تا اجازه می‌گرفت و چون وارد می‌شد، چون بنده‌ای نزد آن حضرت می‌نشست». (صدوق، ۱۳۹۵: ۸۶/۱)

«و گاهی فرشته وحی به صورت یک انسان بر من ظاهر می شود، برای من تمثیل می کند، پس با من صحبت می کند و من آنچه را او می گوید حفظ می کنم و این راحت ترین حالت بر من است.» (بخاری، همان: ۶/۱؛ محمد بن اسحاق، همان: ۶۸۸)

«رسول خدا فرمود: وحی به دو صورت بر من نازل می شود: گاهی همان طور که یک نفر، انسان دیگری را می بیند من هم او را می بینم.» (ابن سعد، همان)

۳-۲-۳. القای وحی بدون مشاهده فرشته

این نوع از وحی که رسول خدا فرشته را نه به صورت اصلی آن و نه به صورت یک انسان ببیند، شامل وحی در خواب، القای در گوش و القای در قلب مبارک پیامبر(ص) می شود. این نوع از وحی فراوان رخ داده است:

«نزول فرشته بدون این که دیده شود بسیار بوده است. یا وحی را بر گوش های حضرت القاء می کرد و یا بر قلبشان الهام می نمود: «وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ» (معرفت، همان: ۶۴/۱)

از برخی روایات اهل سنت فهمیده می شود سخت ترین حالاتی که بر رسول خدا(ص) عارض می شد، هنگام نزول این نوع از وحی بوده است: «... گاهی مثل شنیدن صدای زنگ است که این شدیدترین حالت بر من است.» (بخاری، همان: ۶/۱)

«جبرئیل درحالی که من خواب بودم بر من نازل شد درحالی که همراه او کتابی بود. به من گفت بخوان. گفتم: چه بخوانم؟ جبرئیل مرا فشار داد به گونه ای که گمان کردم الان از دنیا می روم...» (ابن هشام، بی تا: ۱/۲۳۵)

علمای اهل سنت نیز به این مطلب تصریح کرده اند. برای نمونه جلال الدین سیوطی بعد از طرح عنوان «إحداها: أن يأتيه الملك في مثل صلصلة الجرس»، می نویسد: «و در خبر صحیح است که این حالت شدیدترین احوال هنگام نزول وحی است.» (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۱۶۶)

شیخ صدوق نیز پذیرش این قول را به اکثر علمای اهل سنت نسبت داده است: «پیامبر در میان اصحابش بود، یکبار از هوش می رفت و عرق می ریخت و چون به هوش می آمد می فرمود خداوند به چه چیز امر نمود و از چه چیز نهی کرد. بیشتر مخالفین ما معتقدند این وضعیت هنگام نزول جبرئیل(ع) بوده است.» (صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۸۶)

اما همان طور که قبلاً بیان شد از روایات شیعه خلاف این مطلب فهمیده می شود و وحی مستقیم شدیدترین و سخت ترین نوع وحی می باشد.

راه و روش صحیح، ترجیح دادن روایات صحیح‌ه شیعه و کنار گذاشتن روایات مخالف آن‌هاست. اما وجه جمعی نیز به ذهن می‌آید که اگر آن را بپذیریم لازم نیست روایات مخالف کنار گذاشته شوند و آن این است که در روایات اهل سنت هرچند حالات سخت و سنگینی برای جسم مبارک رسول خدا(ص) هنگام نزول وحی ذکر شده است، اما اکثر آن‌ها صراحت یا دلالتی بر این که سخت‌ترین حالات وحی، این نوع از وحی باشد ندارند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

«هنگامی که وحی بر رسول خدا(ص) نازل می‌شد، بدن مبارکش به لرزه می‌افتاد و رنگ از صورتش می‌رفت.» (ابن سعد، همان؛ مسلم، همان)

«وقتی که بر پیامبر خدا(ص) وحی می‌شد، به خاطر شدت وحی، مدتی مثل انسان‌های بی‌حس و سُکران می‌شد.» (همان)

«زمانی که بر رسول خدا(ص) وحی نازل می‌شد، حضرت سر را به پایین می‌انداختند و اصحاب نیز سرشان را به پایین می‌انداختند.» (مسلم، همان: ۸۲/۷)

«(در زمان نزول وحی) صدایی مثل صدای زنبور می‌شنوم و در این هنگام سکوت می‌کنم. هیچ موردی نیست که وحی بر من نازل شود مگر این که گمان می‌کنم که روح از بدنم جدا می‌شود و از دنیا خواهم رفت.» (احمد بن حنبل، همان: ۳۱۱/۱۴)

«رسول خدا بر چهارپا سوار بود و وحی بر ایشان نازل می‌شد، دیدم که ناله می‌کنند و دستانشان به صورتی می‌لرزد که گمان کردم الآن جدا خواهد شد. به خاطر سنگینی وحی گاهی اوقات آن چهارپا به زمین می‌نشست و گاهی نیز ایستاده می‌ماند تا این که حضرت به حالت عادی برمی‌گشتند. همچنین عرق مثل دانه‌های مروارید از پیشانی ایشان به زمین می‌چکید.» (همان)

«هنگامی که وحی بر رسول خدا(ص) نازل می‌شد و ایشان بر شتر خود سوار بودند، شتر از حرکت می‌ایستاد و نمی‌توانست حرکت کند.» (طبری، ۱۴۲۲: ۳۶۵/۲۳)

در غیر از دو روایت اول، دلالتی وجود ندارد که این حالات مربوط به این نوع از وحی (وحی باواسطه فرشته ولی بدون مشاهده او) بوده، بلکه این احتمال وجود دارد که این حالات در زمان وحی مستقیم بر پیامبر اکرم(ص) رخ می‌داده است.

اما دو روایتی که در ابتدا آورده شد، شاید از آن‌ها تصریح یا اشاره‌ای به این که این نوع وحی، سخت‌ترین نوع وحی است فهمیده شود:

روایت اول: «... این شدیدترین حالت بر من است.» (بخاری، همان: ۶/۱)

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ۷۱

این روایت نیز مثل روایات متعددی که در بالا ذکر شد تصریح و دلالتی بر مطلوب نداشته بلکه تنها دلالت بر این دارد که آن حضرت هنگامی که صدای به هم خوردن دو فلز را می شنید و این گونه وحی را دریافت می نمود، دچار سخت ترین حالت می شد. از این رو، این احتمال نفی نمی شود که شاید هنگام وحی مستقیم رسول خدا(ص) این صدا را شنیده و دچار سخت ترین حالت می شدند. روایت دوم: «... جبرئیل مرا فشار داد به گونه ای که گمان کردم الآن از دنیا می روم» (ابن هشام، بی تا: ۱/ ۲۳۵)

تنها روایتی که دلالت بر مقصود و قول مشهور علمای اهل سنت می کند همین روایت است. بدیهی است که این روایت به تنهایی توانایی مقابله با سایر روایات را نداشته و کنار گذاشتن آن بدون اشکال است.

۳-۳. سخن گفتن از پشت حجاب (غیب)

روایتی را در این زمینه پیدا نکردیم که به نزول این نوع از وحی بر پیامبر گرامی اسلام(ص) اشاره کرده باشد. البته مرحوم آیت الله معرفت یک مورد از تکلم خداوند با حضرت را از پشت پرده و حجاب بیان می فرماید که تفاوت آن با وحی قرآنی که مورد نظر ما است، روشن می باشد. ایشان بعد از بیان عبارت «أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» از آیه ۵۱ سوره شوری می نویسد: «یعنی این که خداوند با پیامبرش سخن می گوید و او صدایی را می شنود، ولی کسی را نمی بیند، همان طور که خداوند با خلق صوت در هوا و رسیدن آن صوت به گوش حضرت موسی(ع)، با ایشان صحبت کرد و همان گونه که با پیامبر خاتم(ص) در شب معراج صحبت نمود.» (معرفت، همان: ۱/ ۵۶)

ایشان در ادامه مطلبی را می فرماید که مدعی ما از آن فهمیده می شود: «وحی نسبت به پیامبر اسلام(ص) گاهی در خواب رخ می داد که این مورد بیشتر در ابتدای نبوت حضرت بود. گاهی اوقات وحی مستقیم نازل می شد بدون واسطه هیچ فرشته و گاهی نیز به واسطه جبرئیل. البته وحی قرآنی به دو مورد اخیر اختصاص دارد: یا مستقیم و یا به واسطه فرشته.» (معرفت، همان: ۱/ ۵۷)

۴. دلیل تأثیر وحی بر جسم پیامبر(ص)

در این جا لازم است به این سؤال جواب دهیم که تأثیرگذاری وحی بر جسم پیامبر به چه دلیل است؟ چگونه ممکن است وحی سبب سنگینی، عرق کردن، بی هوشی و... برای رسول خدا(ص) شود؟

در پاسخ باید گفت آنچه ما در این زمینه می‌توانیم بیان کنیم این است که برای ملاقات با فرشته وحی و یا وحی مستقیم، مقدماتی نیاز است که مهم‌ترین آن‌ها وسعت پیدا کردن و قدرت یافتن روح رسول خدا(ص) می‌باشد. روحی که کوچک و ضعیف باشد مطمئناً نمی‌تواند جبرئیل امین را ملاقات کند و کلام او را بشنود چه برسد به این که بخواهد به‌طور مستقیم با خداوند متعال ارتباط برقرار کند. از یک نهال کوچک و کم‌طاقت نباید انتظار تحمل بار زیاد را داشت مگر این که آن نهال رشد یابد و قدرت پیدا کند.

از طرف دیگر روح و جسم انسان در عین این که دو چیز هستند، اما بی‌ارتباط با یکدیگر نبوده و این‌طور نیست که دو شیء جدا از هم باشند. پس اثرپذیری جسم از تغییر و تحولات روحی امر بعیدی نیست و این که بر رسول خدا(ص) هنگام دریافت وحی که ارتباط با روح ایشان است، اثرات مختلف جسمی به وجود می‌آمد امر دور از ذهنی نیست. همچنین است تأثیراتی که بر اطرافیان حضرت و یا مرکب ایشان رخ می‌داد.

«گاهی مردم فرشته وحی را نمی‌دیدند، اما اثر تغییر و انفعال بر صاحب رسالت پدیدار می‌شد که حالتی مانند مرد خوابیده داشت و یا حالی شبیه اغماء و غشی او را می‌گرفت، و این نبود مگر استغراق در دیدار فرشته روحانی و رها کردن حالت بشری عادی. مسلماً چنین حالتی بر پیکر اثر می‌گذارد. از شدت و فشار روحی، بانگی چون مرد خوابیده دارد، نفس سنگین می‌شود و گاه در روزی سخت سرد، عرق از پیشانی‌اش می‌ریزد.» (رامیار، همان: ۱۰۹)

وقتی حجاب‌ها و پرده‌های غیب برای روح رسول خدا(ص) شکافته شود و روح ایشان از حالت عادی بشری خارج شود، قطعاً جسم مبارک آن حضرت نیز از آن تأثیر می‌پذیرد.

«نزول فرشته بر پیامبر و ظاهر شدن آثار تغییر بر ایشان مثل این که دچار غش می‌شد، به دلیل جدایی و رهایی از حالت عادی بشری است و علم پیامبر(ص) در این حالات علم شهودی و عینی است نه وهم و خیال. علمی که در آن اشتباه و گمراهی رخ نمی‌دهد؛ زیرا مطابقت در آن علم ذاتی است به دلیل کنار رفتن حجاب‌های غیب و حاصل شدن شهود در زمانی که رسول خدا(ص) از حالت عادی بشری جدا می‌شد.» (ماضی، ۱۴۲۲: ۵۱)

برخی نیز معتقدند دلیل این تأثیر و تأثرها، تفاوت و گوناگونی عالم انسان‌ها با عالم فرشتگان است: «این شدت و سنگینی که در جسم مبارک پیامبر در هنگام نزول وحی آشکار می‌شود، به دلیل زایل شدن حجاب بین دو عالم متفاوت است. دو عالم مختلفی که در هنگام نزول وحی باهم رو به رو می‌شوند: عالم فرشتگان و عالم انسان‌ها... بنابراین دلیل اصلی رخ دادن این آثار خارجی بر

تحلیل روایات مربوط به حالات پیامبر(ص) هنگام نزول وحی ۷۳

بدن مبارک پیامبر مثل عرق کردن و پریدن رنگ، تفاوت و گوناگونی دو عالمی است که فرشته و پیامبر به آن تعلق دارند و در آن زندگی می‌کنند». (حمود الاعرجی، ۱۴۲۱: ۱۴۸)

نتیجه‌گیری

شدیدترین حالاتی که بر رسول خدا(ص) هنگام نزول وحی رخ می‌داد، مربوط به زمانی است که ایشان وحی را مستقیماً از خداوند متعال دریافت می‌کرد و زمانی که به واسطه جبرئیل، وحی به حضرت می‌رسید، حالاتی که بر ایشان عارض می‌شد به شدت وحی مستقیم نبود و جسم مبارک رسول خدا(ص) سختی و فشار کم‌تری را تحمل می‌نمود. همچنین در مواردی که فرشته وحی به صورت انسان درمی‌آمد، می‌توان گفت هیچ دگرگونی در حضرت مشاهده نمی‌شد و راحت‌ترین حالت دریافت وحی در این موارد بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *اعتقادات الإمامیه*، کنگره شیخ مفید، محمدعلی حسینی، قم، چ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *التوحید*، جامعه مدرسین، قم، محمدعلی اردکانی، چ اول، ۱۳۹۸ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، اسلامیة، محمدباقر کمره ای، تهران، چ دوم، ۱۳۹۵ق.
۵. ابن سعد، محمد البصری، *الطبقات الکبری*، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود للنفوس منصود*، دار الذخائر، قم، چ اول، بی‌تا.
۷. ابن منده، محمد بن إسحاق، *الإیمان*، مؤسسه الرساله، بیروت، چ دوم، ۱۴۰۶ق.
۸. ابن هشام، عبدالملک، *سیره ابن هشام*، موقع الاسلام، بی‌تا.
۹. احمد بن حنبل، *مسند احمد*، مؤسسه الرساله، چ دوم، ۱۴۲۰ق.
۱۰. اعرجی، ستار جبر حمود، *الوحی و دلالتنه فی القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت، چ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۱. انصاریان، حسین، *ترجمه: قرآن کریم*، اسوه، قم، چ دوم، ۱۳۸۳.
۱۲. البانی، محمد ناصرالدین، *صحیح الجامع الصغیر و زیادته*، المکتب الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دار ابن کثیر، بیروت، چ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الإسلامیه، قم، چ دوم، ۱۳۷۱.
۱۵. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، امیرکبیر، تهران، چ سوم، ۱۳۶۹.

۱۶. سیوطی، جلال‌الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، دار‌الکتاب العربی، سیدمهدی حائری، بیروت، چ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، چ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، چ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، *تفسیر الطبری (جامع البیان)*، دار هجر، چ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *الأمالی*، دار الثقافة، علی زواره‌ای، قم، چ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۱. عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، *الإصابة فی تمییز الصحابه*، دار الجیل، بیروت، چ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۲. علیدوست، ابوالقاسم، *صراط اندیشه و عمل*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، قم، چ اول، ۱۳۹۴.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، المطبعه العلمیه، تهران، چ اول، ۱۳۸۰.
۲۴. قرطبی، محمد بن أحمد، *الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)*، دار عالم الکتب، ریاض، ۱۴۲۳ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامیه، سید جواد مصطفوی، تهران، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. ماضی، محمود، *الوحي القرآنی فی المنظور الاستشراقی*، دارالدعوه، اسکندریه، چ دوم، ۱۴۲۲ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۸. معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *الجامع الصحیح (صحیح مسلم)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.